

انتشارات اندیشه ارشد

کلیات حقوق تجارت

(تاجر و معاملات تجاری)

جامـــع‌ترین، کامـــل‌ترین و بروزترین کتـــاب

درسنـــامه جامع همـــراه با نکـــات طلایـــی

مؤلف: امین امیر حسینی

فهرست

فصل نخست: تعریف و مبانی نظری ۷

گفتار نخست: تعریف تاجر و معاملات تجاری ۷

بند نخست: تعریف تاجر ۷

بند دوم: تمایز تعریف تاجر از سایر تعاریف ۷

بند سوم: معاملات تجاری: ۸

گفتار دوم: تعهدات تاجر: ۲۲

بند نخست: داشتن دفاتر تجاری ۲۲

بند دوم: ثبت نام تاجر در دفاتر تجاری: ۲۷

گفتار سوم: دلال ۲۷

بند نخست: تعریف ۲۸

بند دوم: تعهدات دلال: ۲۸

بند سوم: حقوق دلال ۳۰

بند چهارم: صدور پروانه دلالی ۳۵

بند پنجم:تامین دلالی ۳۷

بند ششم: مسئولیت دلال ۳۸

بند هفتم: انحلال دلالی ۳۹

گفتار سوم: حق العمل کاری: ۴۳

بند نخست: تعریف؛ تمایزات؛ اوصاف ۴۳

بند دوم: تعهدات حق العمل کار: ۴۵

بند سوم: مسئولیت‌های حق العمل کار: ۴۷

بند چهارم: حقوق حق العمل کار ۴۸

گفتار چهارم: متصدی حمل و نقل:..... ۵۱
بند نخست:تعریف و اوصاف..... ۵۱
بند دوم: تعهدات ارسال کننده..... ۶۰
بند سوم: حقوق ارسال کننده: ۶۲
بند چهارم:حقوق متصدی حمل و نقل..... ۶۵
بند پنجم: تعهدات متصدی حمل و نقل.....۶۶
بند ششم: رفع اختلاف..... ۶۷
گفتار پنجم: قائم مقام تجاری..... ۶۹
بند نخست: تعریف..... ۶۹
بند دوم: اختیارات قائم مقام:..... ۶۹
بند سوم:عزل و نصب قائم مقام ۷۰
عملیات بانک داری: ۷۱
بند نخست: اهداف وظایف نظام بانکی: ۷۱
بند دوم: پول رایج ۷۲
بند سوم: پشتوانه پول..... ۷۳
بند چهارم: بانک مرکزی..... ۷۶
بند پنجم: عقود بانکی..... ۸۵
عملیات بیمه ای:..... ۹۱
بند نخست: تعریف..... ۹۱
بند دوم: اصول حاکم بر قرارداد بیمه ۹۱
بند سوم: اوصاف حقوق بیمه: ۹۴
بندچهارم: شرایط اساسی صحت عقد بیمه..... ۹۷

بند پنجم: انواع بیمه: ۱۰۲
بند ششم: صدور و اصلاح بیمه نامه: ۱۰۴
بند هفتم: انحلال و بطلان بیمه ۱۰۷
بند هشتم: تعهدات بیمه گر و بیمه گذار ۱۱۱
بند نهم: نحوه محاسبه خسارت ۱۱۴
بند دهم: بیمه عمر ۱۱۵
گفتار دوم: بیمه اجباری ۱۱۶
بند نخست: تبیین موضوع ۱۱۶
بند دوم:مسئولین جبران خسارت ۱۱۷
بند سوم: حقوق و تعهدات بیمه گر و بیمه گذار ۱۱۹
بند چهارم: مسئولیت مدنی ۱۲۵
بند چهارم: مسئولیت کیفری ۱۲۹
منابع و مآخذ ۱۳۱

تقدیم به:

پدر بزرگوارم؛

مادر عزیزم؛

فصل نخست:

تعریف و مبانی نظری

گفتار نخست: تعریف تاجر و معاملات تجاری

بند نخست: تعریف تاجر

در ابتدا لازم هست تا به تعریف دقیق تاجر پرداخت. در حقوق تجارت ایران، تعریف تاجر دو ملاک دارد که عبارتند از :

۱-ملاک شخصی:

تاجر شخصی هست که شغل معمولی و رایج وی، عمل تجاری باشد. در این باب ماده ۱ ق.ت مقرر می‌دارد:« تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتی قرار بدهد.»

در این ماده، از لفظ کس استفاده شده که به معنای شخص است و لذا هم شخص حقیقی و هم شخص حقوقی می‌تواند تاجر باشد.

البته باید دانست که شخص اصیل باید عمل معمولی و رایج خود را تجارت قرار دهد. پس اگر شخصی به نمایندگی از دیگری یا به قائم مقامی از وی تجارت نماید، شخص نماینده یا قائم مقام را نباید تاجر دانست.

۲- ملاک نوعی:

بر اساس این ملاک، تاجر شخصی هست که اعمال تجاری را انجام دهد که در ادامه، اعمال تجاری مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در این باره، شخص تاجر اهمیت ندارد؛ بلکه ملاک و معیار عمل تجاری، مورد نظر است.

بند دوم: تمایز تعریف تاجر از سایر تعاریف

در این مورد باید تفاوت تاجر با دو عبارت را مشخص نمود که در قانون تجارت مطرح می‌گردد که عبارتند از پیشه ور و کسبه جزء. در این باره، تعریف دو عبارت مورد نظر، تفاوت آن عبارات را با تاجر مشخص می‌نماید.

الف)کسبه جزء:

در این مورد، باید به ماده ۱۹ قانون تجارت اشاره نمود که بیان می‌دارد:« کسبه جزء مذکور در این فصل و فصل اول مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدلیه تشخیص می‌شوند.»

بر همین اساس باید برای تبیین مفهوم مزبور به ماده واحده شماره ۱۶۶۰۶ اشاره نمود. این ماده واحده بیان داشته : « افراد حقیقی ذیل که از مصادیق اشخاص مذکور در ماده ۹۶ قانون مالیات‌های مستقیم نباشند با دارا بودن شرایط ذیل کسبه ی جزء محسوب می شوند:

۱-کسبه،پیشه وران تولیدکنندگان و نظایر آن ها که میزان فروش سالانه آنان از مبلغ یکصد میلیون ریال تجاوز نکند.

۲-ارائه دهندگان خدمات در هر زمینه ای که مبلغ دریافتی آن ها در قبال خدمات ارائه شده در سال از مبلغ پنجاه میلیون ریال تجاوز نکند.

مطابق آیین نامه ی دادگستری مصوب ۱۳۱۱/۳/۵ کسبه ی جزء بر مبنای عایدی سالانه شان مشخص شده اند اما با توجه به تنزل ارزش پول این این ملاک درست نیست. با توجه به این مطلب قانون مالیات بر درآمد ۱۳۳۵/۱/۱۶ کسبه جزء را بدون در نظر گرفتن عایدی به تفصیل بیان می کند.»

ب) پیشه ور:

در مورد پیشه ور، نص قانونی وجود ندارد؛ ولی در تعریف حقوق دانان، پیشه ور شخصی هست که با فعالیت‌های یدی خود، آثار و محصولاتی را تولید و ایجاد می‌کند و از این طریق، امرار معاش می‌نماید. (جعفری لنگرودی،۱۳۷۷، ۷۲۴)

بند سوم: معاملات تجاری:

اعمال تجاری به سه دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از :

الف)اعمال تجاری ذاتی:

اعمالی هستند که در هر حال، چه تاجر آن ها را انجام دهد یا این که غیرتاجر آن اعمال را انجام دهد، در هر حال، تجاری محسوب می‌شوند. در این باره، موارد اعمال تجاری ذاتی در ماده ۲ قانون تجارت مورد تصریح قرار گرفته است که بر این اساس، ماده ۲ ق.ت مقرر می‌دارد: معاملات تجارتی از قرار ذیل است:

۱- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.

در این باره باید بیان داشت که خرید، شامل تحصیل می‌شود و تحصیل معنایی اعـم از خریـد دارد. البته تحصیل به معنای این است که شخص تاجر، با هر یک از اسباب تملک کـه در قـانون مـدنی ذکـر شده است، مال منقول را کسب و تملک نماید.

نکته: اسباب تملک در ماده ۱۴۰ ق.م. ذکر شده است، بر اساس این ماده:« تملک حاصل می شود:

۱ - به احیاء اراضی موات و حیازت اشیاء مباحه .

۲ – به وسیله عقود و تعهدات .

۳ – به وسیله اخذ به شفعه .

۴ - به ارث . »

در این باره، باید دانست که تحصیل نمودن مال می‌تواند به هر طریقـی باشـد؛ یعنـی مـی‌توانـد در قالب عقد بیع، حیازت مباحات، ارث یا هر طریق دیگـر باشـد؛ ولـی بایـد قصـد شـخص از آن تملـک و تحصیل، فروش یا اجاره دادن مال مزبور باشد. (ستوده تهرانی،۱۳۷۷،ج۱،۴۴)

نکته: مطابق ماده ۴ قانون تجارت باید دانست که مال مزبور باید حتما منقول باشد؛ زیرا معـاملات مربوط به مال غیر منقول را تحت هیچ شرایطی نمی‌توان تجاری دانسـت. در ایـن بـاب، مـاده ۴ قـانون تجارت مقرر می‌دارد:« معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجارتی محسوب نمی‌شود.»

حکم این ماده، شامل تمامی اموال غیر منقول می‌شود.

البته این حکم دارای استثنائاتی هست که عبارتند از:

اولا: دلالی در معاملات مربوط به اموال غیر منقول

ثانیا: حق العمل کاری در معاملات مربوط به اموال غیر منقول

ثالثا: برخی معاملات اموال غیر منقول موضوع قانون تملک آپارتمان‌ها

در این باره ماده ۵ قانون تملک آپارتمان‌ها مقرر می‌دارد:« انواع شرکتهای موضوع ماده ۲۰ قـانون تجارت که به قصد ساختمان خانه و آپارتمان و محل کسب به منظور سکونت یا پیشه یا اجاره یا فروش تشکیل می‌شود از انجام سایر معاملات بازرگانی غیر مربوط به کارهای ساختمانی ممنوعند.»

رابعا: معاملات اموال غیر منقول توسط شرکت‌های سهامی:

هر معامله ای که شرکت‌های سهامی انجام دهند، حتی اگر مربوط به مال غیر منقول باشد، تجاری فرض می‌شود که دراین باب ماده ۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ اذعان می‌دارد:« شرکت

سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شود؛ ولو این که موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد.» ؛ یعنی اگر موضوع فعالیت شرکت سهامی مال غیر منقول هم باشد، باز هم باید فعالیت‌های مربوطه به اموال غیر منقول که از سوی شرکت سهامی انجام می‌شود را عمل تجاری دانست.

۲-تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.

در این باره، در بخش مفصلی به تبیین مواد مربوط به این حوزه پرداخته می‌شود. (مواد ۳۷۷ تا ۳۹۳ قانون تجارت.)

۳- هر قسم عملیات دلالی

یا حق‌العمل‌کاری کمیسیون

و یا عاملی

و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجادمی‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.

در مورد دلالی مواد۳۳۵ تا ۳۵۶ قانون تجارت به تبیین مقررات دلالی پرداخته که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

حق العمل کاری که به آن کمیسیون هم گفته می‌شود، مواد ۳۵۷ تا ۳۷۶ قانون تجارت به این موضوع پرداخته که تفصیلا در این باره، بحث خواهد شد.

عاملی :

در تعریف این موضوع، قانون گذار ساکت است؛ ولی نظر مشهور حقوق دانان، آن است که عاملی را باید وکالت با اجرت دانست که این وکالت، دارای جنبه تجاری است.

در مورد بخش آخر بند ۳ ماده ۲ که بیان می‌دارد: « همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجادمی‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره » باید دانست که منظور از این عبارت، هر اداره و سازمانی هست که نوع مشخصی از خدمات را ارایه می‌نماید. این خدمات لازم است تا در قالب یک موسسه تجاری انجام گردد. پس شخصی که موسسه خدماتی تاسیس می‌نماید، تاجر در نظر گرفته می‌شود.

حتی ممکن هست که موضوع ارایه خدمات نیز تجاری نباشد؛ مثل این که شخصی برای معـاملات ملکی و مسکن، خدماتی را ارایه نماید. با این که اموال غیر منقول، موضوع تجارت نیسـتند؛ ولـی انجـام اعمال خدماتی مرتبط با اموال غیر منقول را باید عمل تجاری دانست.

۴- تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه؛ مشروط بر این که برای رفع حوائج شخصی نباشد.

در مورد کارخانه باید اذعان داشت، کارخانه به محلی اطلاق می‌شود که در آن کالایی تولیـد گـردد و لذا صرف راه اندازی کار خانه عمل تجاری نیست؛ بلکه باید علاوه بر تاسـیس کارخانـه، آن را بـه کـار انداخته و در آن خدمات و تولیدات انجام داد. (اسکینی،۱۳۷،۷۱)

همچنین قانون گذار بیان نموده که تاسیس کارخانه نباید برای رفع حوائج شخصـی باشـد کـه بـر اساس آن باید قصد تاجر از تاسیس و به کارانداختن کارخانه، بردن منافع و سود باشد.

۵- تصدی به عملیات حراجی

حراجی را باید با نوع خاصی را معامله کالاها دانست که در آن، تمامی خریداران کالای مزبور با هم رقابت نموده و هر یک قیمتی را ارایه می‌نمایند و هر یک کـه قیمـت بـالاتری پیشـنهاد نمایـد، بـه وی فروخته می‌شود.

نکته: حراجی با مزایده دارای تفاوت است. در حراجی، قیمت مبنـا و پایـه تعیـین نمـی‌گـردد؛ در حالی که در مزایده لازم هست تا قیمت پایه و مبنایی تعیین گردد.

البته باید دانست که شخصی که به عملیات مزبور تصدی دارد و به آن به طـور مـداوم مـی‌پـردازد، عمل تجاری انجام می‌دهد. پس صرف انجام یک حراجی، آن را تجاری نمی‌نماید؛ بلکه شخصـی کـه در ازای دریافت مبلغی از طرف فروشنده، عملیات حراجی را اداره می‌نماید، متصدی حراجی محسوب شده و عمل وی را باید، عمل تجاری دانست.

۶- تصدی به هر قسم نمایشگاه‌های عمومی.

نمایشگاه عمومی را باید محلی دانست کـه بـرای ملاحظـه آثـار تولیـد کننـدگان و هنرمنـدان و... تشکیل می‌شود و شخصی که در ازای دریافت مبلغی از تولید کننده و هنرمند، به وی امکـان برگـزاری

نمایشگاه داده یا برای وی نمایشگاه راه اندازی می‌نماید، متصدی نمایشگاه محسوب شده و عمل وی، تجاری محسوب می‌شود.

در نتیجه؛ باید متصدی نمایشگاه، قصد سود بردن داشته باشد؛ پس اشخاصی که برای امور خیریه نمایشگاه برگزار نموده و یا هدف ارتقای فرهنگی دارند و به این منظور نمایشگاه برگزار می‌کنند، عمل تجاری انجام نمی‌دهند.

همچنین تصدی به نمایشگاه داری باید یک عمل دائم و مستمر باشد و اگر به طور مقطعی، این عمل انجام شود، تجاری نیست.

در مورد نمایشگاه‌های عمومی باید به قوانین مختلفی که در این باره وجود دارد رجوع نمود؛ زیرا در این باره، قوانین خاص وضع شده است که عبارتند از:

اولا: قانون تشکیل شرکت سهامی نمایشگاه‌های بین المللی ایران مصوب ۱۳۴۷

ماده واحده مقرر در این باره بیان می‌دارد:« از تاریخ تصویب این قانون سازمان نمایشگاهها وابسته به وزارت اقتصاد به صورت شرکت سهامی به نام شرکت سهامی نمایشگاههای‌بین المللی ایران اداره خواهد شد.

تبصره ۱ - شرکت سهامی نمایشگاههای بین المللی ایران مشمول قانون محاسبات عمومی و آیین‌نامه معاملات دولتی نبوده و امور مالی واستخدامی آن طبق اساسنامه‌ای خواهد بود که به تصویب کمیسیونهای دارایی و استخدام مجلسین برسد.

وزارت اقتصاد مکلف است اساسنامه شرکت مزبور را ظرف دو ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه و تقدیم مجلسین نماید و تا زمانی که اساسنامه‌مذکور به تصویب نهایی نرسیده است اساسنامه سازمان نمایشگاه‌ها وابسته به وزارت اقتصاد مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۴۶ کمیسیون مشترک دارایی مجلسین مجری خواهد بود.

تبصره ۲ - کلیه دارایی و تعهدات سازمان مزبور به شرکت سهامی نمایشگاه های بین المللی ایران منتقل می‌شود.»

ثانیا: قانون اساسنامه شرکت سهامی نمایشگاههای بین المللی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۸

در این قانون هدف اصل از تاسیس چنین نمایشگاهی در ماده ۱ بیان شده که مقرر می‌دارد:« به منظور هماهنگی و رشد و توسعه امور نمایشگاهی در داخل و خارج کشور و همچنین متمرکز نمودن

امور مربوط به برگزاری نمایشگاه‌ها و همایش‌های ملی و بین المللی در راستای تحقق اهداف و سیاستهای توسعه صادرات غیر نفتی و معرفی دستاوردها و تولیدات صنعتی -معدنی - کشاورزی و **خدمات بازرگانی،** فنی و مهندسی کشور، شرکت سهامی نمایشگاههای بیانلمللی ایران که در این اساسنامه اختصاراًشرکت‌نامیده می‌شود و دارای شخصیت حقوقی و مالی مستقل می‌باشد، تشکیل می‌گردد و طبق مقررات این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوطه اداره‌خواهد شد. »

همچنین موضوع فعالیت آن در ماده ۴ این قانون بیان شده است که مقرر می‌دارد:« وضوع فعالیت شرکت به شرح زیر می‌باشد:

الف - برگزاری نمایشگاههای تخصصی اختصاصی و بیانلمللی بازرگانی در داخل و خارج از کشور به منظور توسعه صادرات.

ب - همکاری با اتحادیه‌های نمایشگاههای جهانی و قبول عضویت آنها و شرکت در سمینارها و کنفرانسهای مربوط و اقدام به تشکیل اینگونه مجامع‌در ایران با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

ج - نمایش و معرفی دستاوردها و تولیدات صنعتی ، معدنی ، کشاورزی و خدمات بازرگانیفنی و مهندسی کشور از طریق برپایی و اداره مراکز وغرفه‌های نمایشگاهی در داخل و خارج از کشور.

د - مشارکت با اشخاص حقیقی و حقوقی در امور مربوط به وظایف شرکت اعم از وظایفجاری و یا تأسیس و یا مشارکت در تأسیس نمایشگاه‌های‌دائمی و موقت داخلی و خارجی از طریق سرمایه‌گذاری اعم از منقول و غیرمنقول یا اجاره اموال غیرمنقول با رعایت مقررات مربوط. »

این شرکت، دارای ارکان مختلفی هست که مجمع عمومی، اصلی ترین بخش اداره این شرکت است. [۱]

---

[۱]. ماده ۱۲ - وظایف و اختیارات مجمع عمومی به شرح زیر می‌باشد:

الف - تعیین و تصویب خط مشی و سیاستهای کلی شرکت.

ب - انتخاب و یا عزل اعضای هیأت مدیره.

ج - بررسی و تصویب آیین نامه‌های اداری، مالی و معاملاتی شرکت براساس مقررات مربوطه.

د - تصویب تشکیلات شرکت پس از تایید سازمان امور اداری و استخدامی کشور.

ه - بررسی و تصویب بودجه پیشنهادی شرکت.

و - رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به گزارش عملیات سالانه و ترازنامه و حساب سود وزیان شرکت.

ز - افزایش و یا کاهش سرمایه شرکت.

ح - اتخاذ تصمیم در مورد اخذ تسهیلات مالی و اعتباری که شرکت ضروری تشخیص می‌دهد با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

ط - بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به پیشنهادهای هیأت مدیره در زمینه مشارکت با اشخاص حقیقی یا حقوقی (داخلی - خارجی) با رعایت قوانین ومقررات مربوط.

ثالثا: اساسنامه شرکت سهامی نمایشگاه‌های بین المللی ایران مصوب ۱۳۴۷

در اساسنامه در ماده ۴ به تبیین موضوعات و اهداف آن پرداخته است. ماده مزبور مقرر می‌دارد:« موضوع شرکت عبارت است از:

الف - ایجاد تأسیسات و مراکز خاص در داخل کشور برای نمایشگاه‌هایی که به منظور معرفی فرآورده‌های ایرانی و خارجی برپا می‌شود.

ب - ایجاد و اداره غرفه‌های نمایشگاهی در داخل و خارج کشور. »

در اساسنامه شرکت، به اداره آن از سوی مجمع عمومی و هیات مدیره اشاره شده است. [۲]

ی - اتخاذ تصمیم در مورد ختم دعوی به صلح و سازش و یا ارجاع دعاوی به داوری و تعیین داور با رعایت مقررات و قوانین.

ک - تعیین حقوق و مزایای مدیر عامل و اعضای هیأت مدیره با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

[۲]. مماده ۷:«جمع عمومی صاحبان سهام تشکیل می‌شود از وزیر اقتصاد و معاونین مسئول امور بازرگانی و صنعتی آن وزارتخانه.

مجمع عمومی عادی هر سال حداقل یک بار در خرداد ماه تشکیل می‌شود. مجمع عمومی بهدعوت وزیر اقتصاد یا مدیر عامل شرکت تشکیل می‌گرددو تاریخ تشکیل و دستور جلسه در دعوتنامه ذکر خواهد شد.

بازرس می‌تواند تقاضای تشکیل مجمع عمومی را بنماید و در این صورت مدیر عامل مکلف به دعوت مجمع خواهد بود.

مدیران شرکت و بازرس بدون داشتن حق رأی حق حضور در جلسه مجمع عمومی را دارند.

مصوبات مجمع عمومی در صورتجلسه درج و به امضاء وزیر اقتصاد و منشی جلسه خواهدرسید این صورتجلسات در دفتر مخصوصی در شرکت‌نگاهداری می‌شود تصمیمات مجمع از طرف وزیر اقتصاد برای اجرا ابلاغ می‌گردد.

وظایف و اختیارات مجمع عمومی عبارت است از:

۱ - تعیین خط مشی و سیاست کلی شرکت.

۲ - ملاحظه و بررسی گزارشهای هیأت مدیره و بازرس.

۳ - رسیدگی و تصویب یا رد ترازنامه و حساب سود و زیان.

۴ - تصویب و تخصیص سود ویژه.

۵ - تصویب سازمان شرکت.

۶ - اتخاذ تصمیم نسبت به اندوخته‌ها از قبیل اندوخته قانونی، احتیاطی استهلاکی و غیره با رعایت مقررات مربوط.

۷ - انتخاب، عزل و تجدید انتخاب اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل و بازرس.

۸ - تعیین حقوق و مزایای اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل و حق‌الزحمه بازرس.

۹ - تصویب برنامه فعالیتهای سالانه و آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی و استخدامی بارعایت تبصره ماده ۱۱۲ قانون استخدام کشوری.

۱۰ - تصویب واگذاری بلاعوض اموال شرکت از قبیل غرفه‌ها و غیره که ادامه تملک آنها به صرفه و صلاح شرکت نباشد به مقامات و مؤسسات‌خارجی یا مؤسسات عام‌المنفعه داخلی.

۱۱ - افزایش یا کاهش سرمایه.

۱۲ - اخذ تصمیم درباره تحصیل وام و اعتبار از بانکها و مؤسسات دولتی کشور.

۷-هر قسم عملیات صرافی و بانکی.

صرافی : تبدیل پول یک کشور به یک کشور دیگر و اخذ اجرت در برابر تغییر واحد پولی.

عملیات بانکی: عملیاتی هست که توسط بانک‌ها و مطابق با قوانین مختلف انجام می‌گیرد.

در این باب باید به قوانین زیر در حوزه بانکی اشاره نمود.

اولا: قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱(اصلاح شده در سال ۱۳۵۸ و۵۹)

در این قانون به تبیین واحد پولی ایران پرداخته شده است. در ماده ۱ این قانون بیان شده است:« الف - واحد پول ایران ریال است. ریال برابر صد دینار است.

ب - یک ریال برابر یکصد و هشت هزار و پنجاه و پنج ده میلیونیم گرم طلای خالص است.»

همچنین در این قانون ، بانک مرکزی مکلف است تا به عنوان پشتوانه ، پولی را در خزانه نگهداری نماید. این موارد در مواد ۵ تا ۹ این قانون بررسی شده است که در ادامه، تفصیلا مباحث حقوق بانکی نیز تبیین خواهد شد.

ثانیا: قانون عملیات بانکداری بدون ربا

---

۱۳ - اتخاذ تصمیم نسبت به امور دیگری که طبق قانون تجارت به عهده مجمع عمومیمی‌باشد. »

ماده هشتم - شرکت به وسیله هیأت مدیره‌ای مرکب از سه عضو اصلی اداره می‌شود ودارای یک عضو علی‌البدل خواهد بود. مجمع عمومی از بین اعضاء هیأت مدیره یک نفر را به سمت رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت برای مدت چهار سال انتخاب خواهد کرد.

اعضاء هیأت مدیره ضمناً معاونین اجرایی مدیر عامل می‌باشند و وظایف اجرایی آنان از طرف رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل تعیین و ابلاغ می‌شود.همچنین رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل از بین اعضاء هیأت مدیره یک نفر را به عنوان قائم‌مقام خود تعیین می‌نماید که در غیاب او عهده‌دار وظایف اوباشد.

جلسات هیأت مدیره با حضور سه نفر رسمیت خواهد داشت، تصمیمات متخذه با اکثریت آراء معتبر و قابل اجراء است.

وظایف و اختیارات هیأت مدیره عبارت است از:

۱ - رسیدگی و اظهار نظر نسبت به گزارش عملیات اجرایی و ترازنامه و حساب سود و زیانبرای تقدیم به مجمع عمومی.

۲ - تنظیم بودجه سالانه شرکت برای پیشنهاد به مجمع عمومی.

۳ - تهیه و تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی (مالی - معاملاتی - استخدامی) برای پیشنهاد به مجمع عمومی.

۴ - تصویب قراردادها و موافقتنامه‌های مربوط به امور مذکور در ماده ۴.

۵ - تصویب آیین‌نامه‌های داخلی مربوط به اداره امور شرکت.

۶ - تهیه و تدوین سازمان شرکت برای پیشنهاد به مجمع عمومی.

این قانون ، با هدف از بین بردن معاملات بانکی ربوی تصویب شد که در بخش معاملات بانکی، تبیین دقیق این موضوع، مورد نظر خواهد بود.

۸- معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد.

این معاملات، ذیل موضوع اعمال تجاری حکمی بحث می‌شود.

۹ - عملیات بیمه بحری و غیر بحری

این مبحث در ادامه به طور تفصیلی مبتنی بر قوانین بیمه مصوب ۱۳۱۶، قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ و نیز قانون تاسیس بیمه مرکزی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱۰ -کشتی‌سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها. »

بند دهم ماده ۲ را باید به دو دسته تفکیک نمود. :

اولا: کشتی‌سازی و خرید و فروش کشتی؛ معاملات راجعه به کشتی‌ها

این بخش را باید در واقع، از مصادیق بند نخست ماده ۲ دانست؛ یعنی کشتی سازی و خرید و فروش کشتی را باید مصداق « خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.» دانست.

ثانیا: کشتیرانی داخلی یا خارجی:

این بخش از بند دهم هم ذیل بند دوم ماده ۲ قرار می‌گیرد؛ یعنی کشتیرانی را باید تصدی به حمل و نقل دریایی دانست. همان گونه که در مقام بیان اعمال تجاری ذاتی بند ۲ ماده ۲ مقرر می‌دارد:« تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.» پس کشتی رانی را باید تصدی به حمل و نقل دریایی دانست.

بر اساس این تحلیل، اگر بند دهم هم حذف گردد، مشکلی رخ نمی‌دهد؛ زیرا با وجود بند نخست و دوم ماده ۲، بند دهم پوشش داده می‌شود.

ب) اعمال تجاری تبعی:

اعمالی هستند که ذاتا تجاری نیستند؛ ولی به دلیل این که تاجر آن‌ها را انجام می‌دهد، تجاری محسوب می‌شوند. در این باره، باید به ماده ۳ ق.ت استناد نمود که مقرر می‌دارد:« معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتی محسوب می‌شود:

۱ -کلیه معاملات بین تجار و کسبه و صرافان و بانک‌ها.

این بند ناظر به معاملات بین تجار هست؛ ولی معامله بین تجار باید برای رفع حوائج تجاری باشد . در این باره باید به ماده ۵ قانون تجارت نیز اشاره نمود که مقرر می‌دارد:« کلیه معاملات تجار تجارتی محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجارتی نیست.» پس اگر تاجری برای رفع مایحتاج خانواده خود، معامله ای حتی با تاجر دیگری انجام دهد، نباید این عمل را تجاری دانست.

۲ -کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای حوائج تجارتی خود می‌نماید.

اگر یک تاجر هم برای رفع نیاز های تجاری خود با شخصی غیر تاجر معامله نماید به علت این که یک طرف معامله تاجر هست؛ حتی اگر عمل مزبور ذاتا تجاری نباشد، باز هم آن عمل، تجاری محسوب می‌شود.

۳-کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتی ارباب خود می‌نماید.

در این بند باید دانست که خدمه و شاگرد، در مقام نماینده قراردادی تاجر محسوب شده و در واقع، به وکالت از تاجر عمل می‌کنند. پس اگر خدمه یا شاگرد شخصا و اصالتا معامله ای انجام دهند، معامله ایشان، تجاری محسوب نمی‌شود.

۴- کلیه معاملات شرکت‌های تجارتی.

در مورد شرکت‌های تجاری نیز باید اذعان داشت که هر شرکت مندرج در ماده ۲۰ قانون تجارت، معامله ای انجام دهد، به واسطه این که شرکت مزبور در قالب شرکت تجاری در آمده است، معاملات آن شرکت، تجاری محسوب می‌شود.

در این باب ماده ۲۰ قانون تجارت در مقام بیان انواع شرکت‌های تجاری مقرر می‌دارد:« شرکتهای تجارتی بر هفت قسمت است:

۱- شرکت سهامی.

۲- شرکت با مسئولیت محدود.

۳- شرکت تضامنی.

۴- شرکت مختلط غیر سهامی.

۵- شرکت مختلط سهامی.

۶- شرکت نسبی.

۷- شرکت تعاونی تولید و مصرف .»

ج) اعمال تجاری حکمی:

اعمالی تجاری هستند که طبق قوانین، اعمال تجاری ذاتی نیستند؛ ولی قانون گذار آن‌ها را در زمره اعمال تجاری در نظر گرفته است؛ یعنی قانون گذار، بر اساس یک سری از مصالح که در نظر می‌گیرد، عملی را به عنوان یک عمل تجاری محسوب می‌نماید.

در این باب باید به دو دسته از معاملات اشاره نمود که عبارتند از :

۱-معاملات برواتی:

در رای اصراری شماره ۲۷۸۳ که در سال ۱۳۳۹ صادر شده است، معاملات برواتی تعریف شده است بر همین مبنا، رای اصراری شماره ۲۷۸۳ مقرر می‌دارد: « ... منظورازمعامله برواتی مذکوردربند۸ماده ۲قانون تجارت خریدوفروش بروات و به عبارت دیگرمعاملاتی است که موردمعامله آن بروات می باشدومعاملاتی که موردمعامله کالاواشیائی غیر برات باشد اگرچه خریداربجای وجه نقدبرات بدهدبرواتی محسوب نمی شودوعنوان آن معاملات اعتباری می باشد ....»

به علاوه باید یک استثناء در این حالت در نظر گرفت که از ماده ۳۱۴ قانون تجارت برداشت می‌شود. پس بر اساس ماده مزبور، نباید صدور چک و سفته را عمل تجاری ذاتی دانست. در این باره باید به بخش دیگری از رای اصراری ۲۷۸۳ اشاره نمود که مقرر می‌دارد: «طبق بند ۸ ماده ۲ قانون تجارت صدور برات بالذات وبطورمطلق عمل تجارتی محسوب شده شرط وقیدمذکوردرماده ۳۱۸ آن قانون که درفصل ۴ در موردزمان انشاءگردیده وبدین مضمون است (دعاوی راجعه به برات وفته طلب وچک که ازطرف تجاریابرای امورتجارتی صادرشده)مربوط به فته طلب و چک معامله می باشد و ارتباطی بابرات ندارد و تخصیص شرط و قید به خصوص برخلاف ظاهر اولیه عبارت قسمت اخیرآن ماده خواهد بود و صحیح نیست و این امر تهافت و مغایرتی با ماده ۳۰۹ قانون تجارت نخواهد داشت. »

چنانکه رای مزبور بیان نمود، باید به فحوای ماده ۳۱۸ قانون تجارت نیز عنایت داشت که در این باره، ماده ۳۱۸ ق.ت مقرر می‌دارد: « دعاوی راجعه به برات و فته‌طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجارتی صادر شده پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدوراعتراضنامه و یا آخرین تعقیب قضایی در محاکم مسموع نخواهد بود مگر اینکه در ظرف این مدت رسماً اقرار به دین شده باشد که در این صورت مبدأمرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است. در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاریخ انقضاء مهلت اعتراض شروع می‌شود.

تبصره - مفاد این ماده در مورد بروات و چک و فته‌طلبهایی که قبل از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد۱۳۰۴ صادر شده است قابل اجرا نبوده و این اسناد از حیث مرور زمان تابع مقررات مربوط به مرور زمان راجع به اموال منقول است. »

نکته: طبق نظر دکتر اسکینی، معاملات برواتی که فقط شامل برات می‌شود (شامل سفته، چک و قبض انبار نمی‌شود.) را باید معامله تجاری حکمی دانست. (اسکینی،۱۳۸۴،۷۱)

۲- معاملات شرکت‌های سهامی:

در این باره ماده ۲ لایحه، این شرکت را تجاری می‌داند. ماده ۲ بیان می‌نماید:« شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شود ولو این که موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد. »

بر اساس این ماده، هر نوع عمل که شرکت سهامی انجام دهد؛ حتی اگر ذاتا عمل مزبور تجاری نباشد، به دلیل این که شرکت سهامی آن را انجام می دهد، تجاری محسوب می‌شود.

نکته: اصل تجاری بودن اعمال تاجر: در این باب، هر عملی که تاجر انجام می‌دهد را باید تجاری دانست؛ مگر این که خلاف آن احراز شده و اثبات گردد. در این باب ماده ۵ ق.ت مقرر می‌دارد:« کلیه معاملات تجار تجارتی محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجارتی نیست.»

نکته: اصل بر آزادی اشخاص در امور تجاری هست و لذا اشتغال به تجارت هیچ محدودیتی ندارد؛ مگر در موارد خاص که این موارد عبارتند از:

۱-محجورین(سفیه، مجنون، صغیر)؛

در این باره باید به مواد ۸۵ و ۸۶ قانون امور حسبی عنایت نمود که در این باره ماده مزبور مقرر می‌دارد:« ولی یا قیم می‌تواند در صورتی که مقتضی بداند به محجور اجازه اشتغال به کار یا پیشه‌ای بدهد و در این صورت اجازه نامبرده شامل‌لوازم آن کار یا پیشه هم خواهد بود.»

به علاوه ماده ۸۶ قانون امور حسبی در این زمینه، اذعان می‌دارد:« محجور ممیز می‌تواند اموال و منافعی را که به سعی خود او حاصل شده است با اذن ولی یا قیم اداره نماید.»

۲-اشخاص شاغل در شغل سردفتری؛

در این مورد، بند ۲ و ۳ ماده ۱۵ قانون دفاتر اسناد رسمی اذعان می‌دارد:« مشاغل زیر منافی شغل سردفتری و دفتریاری است.

۲-اشتغال به امر تجارت بنا به تعریف ماده یک قانون تجارت.

۳-عضویت در هیأت مدیره و مدیریت عامل شرکتهای تجاری و بانک‌ها و یا مؤسسات بیمه و مؤسسات دولتی و یا وابسته به دولت. ....»

۳-اشتغال اتباع بیگانه در موارد مشخص؛

به طور کلی اتباع بیانه مطابق با ماده ۹۶۱ قانون مدنی، از حقوق مدنی متمتع هستند؛ مگر در موارد مشخص .

در این باب باید به مواد زیر استناد نمود.

ماده ۲ قانون راجع به دلالان مقرر می‌دارد:« پروانه دلالی با رعایت احتیاجات محلی فقط به اشخاصی داده می‌شود که دارای شرایط زیر باشند:

۱-داشتن بیست و پنج سال تمام و انجام خدمت وظیفه یا داشتن گواهینامه معافیت یا آماده به خدمت

۲- تابعیت ایران.

۳-داشتن گواهینامه سال ششم ابتدایی و یا دادن امتحانی برابر آن.

۴- داشتن اطلاعات فنی متناسب با اموری که عهده‌دار دلالی آنها هستند.

۵-عدم شهرت به نادرستی.

۶- نداشتن محکومیت به ارتکاب جنایت و ورشکستگی به تقصیر و کلاهبرداری و خیانت در امانت و سرقت به گواهی مقامی که وزارت‌دادگستری معین می‌کند.

۷-دادن وجه‌الضمانه یا ضمانت‌نامه یا وثیقه مطابق ماده ۳.»

ماده ۸ قانون تشویق صادرات و تولید مصوب ۱۳۵۸ مقرر می‌دارد:« به بازرگانان خارجی مقیم ایران به شرط رعایت معامله متقابله نسبت به بازرگانان ایرانی مقیم هر یک از کشورهای خارجه کارت بازرگانی‌داده خواهد شد. »

همچنین در ماده واحده قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی مصوب ۱۳۵۴ نیز به لزوم ایرانی بودن تاجر اشاره دارد. [۳]

---

[۳]. واحدهای صنعتی و معدنی و سایر واحدهای تولیدی که تا تاریخ چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ تأسیس شده‌اند و بر طبق مقررات این‌قانون به صورت شرکت سهامی عام در خواهند آمد مکلفند سهام خود را پس از حسابرسی توسط مؤسسات حسابرسی قابل قبول دولت و ارزیابی دقیق‌بر اساس ضوابطی که شورای گسترش مالکیت واحدهای تولیدی مذکور در تبصره ۶ این قانون تعیین می‌نماید در درجه اول به کارگران و کارمندان خودو سپس به کارگران و کارمندان سایر واحدهای تولیدی و کشاورزان و سایر مردم برای فروش عرضه نمایند به طوری که در پایان مهر ماه ۱۳۵۷ معادل۹۹٪ سهام متعلق به دولت در واحدهای بخش دولتی به استثنای صنایع مادر و بعضی از صنایع دیگر که طبق تشخیص دولت تمام یا قسمتی از

۴-دلالی(شخصی که به نام دیگری و به حساب دیگری معامله می‌کند)

بند ۲ماده۲ قانون راجع به دلالان، لزوم ایرانی بودن تجار را تایید می‌کند که بیان شد.

آن دردرست دولت باقی خواهد ماند **و ۴۹ درصد سهام واحدهای بخش خصوصی بتواند در دست مردم کشور قرار گیرد.**

تبصره ۱ - ترتیب تشخیص واحدهای مشمول این قانون و چگونگی اجرای مفاد قانون نسبت به آنها و همچنین شرایط و نحوه تبدیل واحدهای‌تولیدی به شرکت سهامی عام طبق آیین‌نامه اجرایی این قانون خواهد بود.

تبصره ۲ - ترتیب اجرای مفاد این قانون در مورد واحدهای تولیدی که پس از تاریخ چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ تأسیس شده یا می‌شوند وهمچنین واحدهایی که قبلاً تأسیس شده ولی بهره‌برداری از آنها آغاز نشده یا در مراحل اولیه بهره‌برداری هستند به موجب ضوابطی خواهد بود که ازطرف شورای گسترش مالکیت واحدهای تولیدی تهیه و به تصویب هیأت وزارت خواهد رسید.

تبصره ۳ - مدیریت واحدهای دولتی مشمول این قانون بر اساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب شورا خواهد رسید.

تبصره ۴ - به منظور ایجاد تسهیلات و کمکهای لازم به کارگران و کشاورزان در خرید سهام واحدهای مشمول این قانون یک سازمان مالی از طرف‌دولت ایجاد می‌گردد و طبق اساسنامه‌ای که به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید اداره خواهد شد. به دولت اجازه داده می‌شود برای منظور فوق تامیزان مورد نیاز از محل درآمد عمومی استفاده نمایند و مبلغ استفاده شده را در لایحه بودجه سال ۱۳۵۵ منظور کند.

تبصره ۵ - به منظور مشارکت هر چه بیشتر عموم مردم کشور در امر سرمایه‌گذاری و تجهیز سرمایه‌های کوچک و خرید و فروش سهام واحدهای‌تولیدی دولت تسهیلات لازم برای ایجاد شرکتهای سرمایه‌گذاری عام در بخش خصوصی فراهم می‌نماید.

این شرکتها موظفند سهام خود را به عموم مردم کشور عرضه نمایند و شورای گسترش مالکیت واحدهای تولیدی آیین‌نامه لازم را جهت هدایت اینگونه‌شرکتها و نظارت به فعالیت آنها همچنین ترتیب خرید و فروش سهام تهیه و به موقع اجرا می‌گذارد.

تبصره ۶ - به منظور حسن اجرای تکالیف مقرر در این قانون شورایی به نام شورای گسترش مالکیت واحدهای تولیدی مرکب از: وزیر کشاورزی ومنابع طبیعی، وزیر مشاور و رییس سازمان برنامه و بودجه، وزیر دادگستری، وزیر کار و امور اجتماعی، وزیر صنایع و معادن، وزیر بازرگانی، رییس‌بانک مرکزی ایران و رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران زیر نظر وزیر امور اقتصادی و دارایی تشکیل می‌گردد. شورا دارای دبیرخانه یادبیرخانه‌هایی خواهد بود که مصوبات شورا را اجرا خواهد کرد.

تبصره ۷ - نسبت به واحدهای مشمول این قانون که در مدت مقرر در مورد عرضه و انتقال سهام خود عمل ننمایند بر اساس آیین‌نامه‌ای رفتارخواهد شد که از طرف شورا تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۸ - آن قسمت از مقررات قانون تجارت و سایر قوانینی که با مفاد این قانون مغایرت داشته باشد لازم‌الرعایه نخواهد بود.

تبصره ۹ - آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون به پیشنهاد شورای گسترش مالکیت واحدهای تولیدی و تصویب هیأت وزیران به موقع اجرا گذارده‌خواهد شد.

۵- حمل و نقل مسافر و بار یا پست مرسولات پستی از طریق هواپیما در داخل کشور برای شرکت‌های هواپیمایی غیر ایرانی.

در این باب، ماده ۹ قانون هواپیمایی کشوری مقرر می‌دارد:« حمل و نقل بازرگانی مسافر و بار و محمولات پستی یا یکی از آنها از یک نقطه کشور به یک نقطه دیگر آن منحصر به هواپیمای ایرانی‌می‌باشد. »

۶-فعالیت‌های تجاری که دولت انجام می دهد.

در برخی از موارد، دولت فعالیت‌هایی را به عهده می‌گیرد و بر اساس آن، به سایرین امکان و اجازه ورود به این عرصه تجاری را نمی‌دهد؛ مثل اصل ۴۴ ق.ا. که اشعار می‌دارد:« نظام اقتصادی جمهور اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

بخش تعاونی شامل شرکتها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می شود.

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می شود که مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است. »

نکته: برخی از اشخاص، از تجارت به طور جزیی، منع شده اند. مانند بند ۶ ماده ۳۷۶ آیین نامه قانون امور گمرکی که کارمندان گمرک را از انجام فعالیت حق العمل کاری در گمرک منع نموده است.

نکته: در برخی از موارد، انجام امر تجاری نیازمند اخذ مجوزهای دولتی هست؛ مثل: تصدی به عملیات نمایش فیلم، آژانس مسافرتی، دلالی، حمل و نقل هوایی و..

گفتار دوم: تعهدات تاجر:

تعهدات تاجر به شرح زیر است:

بند نخست: داشتن دفاتر تجاری

الف) تعریف و انواع:

مطابق ماده ۶ ق.ت ، تاجر باید دفاتر تجاری داشته باشد که در این باره، ماده مزبور مقرر می‌دارد:« هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه بـه موجـب نظام نامه قائم‌مقام این دفاتر قرار می‌دهد، داشته باشد:

۱ -دفتر روزنامه:

در تعریف این دفتر ماده ۷ مقرر می‌دارد:« دفتر روزنامه دفتـری اسـت کـه تـاجر بایـد همـه روزه مطالبات و دیون و داد و ستد تجـارتی و معـاملات راجـع بـه اوراق تجـارتی از قبیـل خریـد وفـروش و ظهرنویسی و به طور کلی جمیع واردات و صادرات تجارتی خود را بـه هـر اسـم و رسـمی کـه باشـد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت می‌کند در آن دفتر ثبت نماید.»

۲-دفتر کل:

در تبیین این دفتر، ماده ۸ ق.ت مقرر می‌دارد:« دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معـاملات را لااقل هفته یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جداکرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر به طور خلاصه ثبت کند.»

۳- دفتر دارایی: ماده ۹ ق.ت. در این باره اذعان می‌دارد: « دفتری اسـت کـه تـاجر بایـد هـر سـال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیر منقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به‌ریز ترتیـب داده در آن دفتر ثبت و امضاء نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد. »

۴- دفتر کپیه: ماده ۱۰ ق.ت اذعان می‌دارد: « دفتر کپیه دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت‌حسابهای صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید. »

ب) آثار نگهداری دفاتر تجاری:

۱-درمحاسبه و مطالبه مالیات:

وجود دفاتر مزبور هم موجب تسهیل امر تجارت می‌شـود؛ ولـی فوایـد متعـددی بـرای آن در نظـر گرفته شده که سبب می‌شود تا قانون گذار، این دفاتر و داشتن آن‌ها را الزامی فرض کند.

۲-در دعاوی ورشکستگی و تعیین نوع ورشکستگی:

در اثبات اصل ورشکستگی نیز رجوع به دفاتر تجاری را باید لازم دانست؛ یعنی می‌توان با رجوع به دفاتر تجاری، از ورشکسته شدن تاجر، اطلاع کسب نمود. در این باره باید به ماده ۵۴۱ اشاره نمود که مقرر می‌دارد:« تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقصیر اعلان می‌شود:

۱-در صورتی که محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه مشارالیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی او فوق‌العاده بوده است.

۲-در صورتی که محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملاتی کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق‌محض است.

۳- اگر به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر یا فروشی نازلتر از مظنه روز کرده باشد یا اگر به همان قصد وسایلی که دور از صرفه‌است به کار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقراض یا صدور برات یا به طریق دیگر باشد.

۴- اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد.»

بر این اساس، در صورتی که تاجر ورشکسته، دفاتر تجاری نداشته باشد، در برخی از موارد، ورشکسته به تقصیر شناخته می‌شود .همچنین در این باب بند ۳ ماده ۵۴۲ ق.ت. اذعان می‌دارد:« ماده ۵۴۲ - در موارد ذیل هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود:

۱-اگر به حساب دیگری و بدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظر به وضعیت مالی او در حین انجام آنها آن تعهدات‌فوق‌العاده باشد.

۲- اگر عملیات تجارتی او متوقف شده و مطابق ماده ۴۱۳ این قانون رفتار نکرده باشد.

۳-اگر از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی‌ترتیب بوده یا درصورت دارایی وضعیت حقوقی خود را اعم از قروض و مطالبات به طور صحیح معین نکرده باشد ؛ مشروط بر اینکه در این موارد، مرتکب تقلبی نشده باشد. »

۳- دلیل اثباتی بودن عدم ارایه دفتر:

در صورتی که در محکمه لازم باشد تا دفاتر تاجر بررسی شود و تاجر از ارایه دفاتر خود که موجود است، خوداری نماید، در این باب، باید عدم ارایه را قرینه ای اثباتی و اثبات کننده ادعای طرف مقابل دانست .

به عنوان موید، ماده ۲۱۰ ق.آ.دم. مقرر می‌دارد:« هیچ بازرگانی نمی‌تواند به‌عذر نداشتن دفتر از ابراز و یا ارائه دفاتر خود امتناع کند، مگر این که ثابت نماید که دفتر او تلف شده یا دسترسی به‌آن

ندارد.هرگاه بازرگانی که به دفاتر او استناد شده است از ابراز آن خودداری نماید و تلف یا عدم دسترسی به آن را هم نتواند ثابت کند، دادگاه می‌تواند آن را از قرائن‌مثبته اظهار طرف قرار دهد.»

عدم ارایه دفاتر را باید فقط قرینه دانست؛ ولی دلیل قطعی اثباتی نیست . بر همین اساس، رای وحدت رویه شماره ۶۲ که در سال ۱۳۵۱ صادر شده مقرر می‌دارد:« هر چند مطابق مقررات قانون تجارت هر تاجر مکلف به دارا بودن دفاتر تجاری است که در قانون مذکور توصیف شده و آن دفاتر باید پلمپ شده باشد و تخلف از این امر مستلزم پرداخت جزای نقدی است.»

طبق مقررات آیین دادرسی مدنی هر گاه یکی از طرفین به دفاتر بازرگانی طرف دیگر استناد نماید آن دفاتر جز در موارد استثناء شده باید در دادگاه ابراز شود و هر بازرگانی که به دفاتر او استناد شده از ابراز دفاتر خود امتناع نماید، دادگاه می تواند آن را از جمله دلایل مثبته تلقی نماید.

از مفهوم ماده ۳۰۲ آیین دادرسی مدنی که به دادگاه این اختیار را تفویض نموده استفاده نمی‌شود که در هر مورد؛ ولو دعوی متکی به دلایل و مدارک معتبر و اوضاع و احوال دیگر باشد؛ به صرف این که دفاتر تجارتی ارائه نشده و دادگاه این امر را دلیل مثبت اظهار طرف قرار دهد؛ بلکه در موارد عدم ابراز دفاتر تجارتی به دادگاه اختیار داده شده که در مقام تشخیص حق و بررسی به دلایل و اوضاع و احوال موجود در پرونده هر گاه عدم ابراز دفاتر را مؤثر در مقام دانست.

در این حالت، آن را از جمله دلایل مثبته اظهار طرف تلقی نماید، در دو پرونده مورد بحث که هر دو مشابه ولی آرای آن دو معارض با یکدیگر می باشد؛ چون رأی شعبه ۵ دیوان عالی کشور در جهت همین نظری است که فوقاً ذکر شده و رسیدگی به دلایل دیگر را لازم دانسته رأی مزبور نتیجتاً صحیح به نظر می رسد و تأیید می شود.»

۴- اماره بودن دفاتر تجاری:

در حقوق ایران برای رسیدگی به دعاوی، در مقامی که دلیل وجود نداشته باشد، از امارات استفاده می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، ماده ۱۳۲۱ ق.م. مقرر می‌دارد: «اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می شود .»

بر همین اساس، دفاتر تجاری راه می‌توان اماره دانسته و در اثبات دعوا از آن بهره گرفت. در این باره، ماده ۱۲۹۸ ق.م. مقرر می‌دارد:« دفتر تاجر در مقابل غیرتاجر سندیت ندارد فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود لیکن اگرکسی به دفتر تاجر استنادکرد نمی تواند تفکیک کرده آنچه را که بر نفع او است قبول وآنچه که بر ضرر او است ردکند مگر آنکه بی اعتباری آنچه را که برضرر اوست ثابت کند .»